

## Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه چهل و پنجم

### ارکان تفکر

## Elements of Thought

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

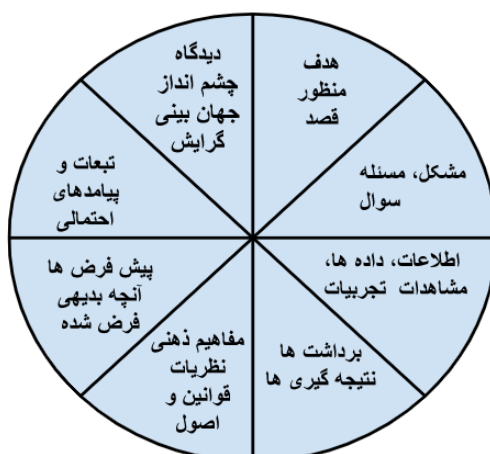
### ارکان تفکر (Elements of Thought)

تفکر (thinking) و تعقل (reasoning) در زندگی روزمره به صورت مترادف بکار گرفته می شوند، هر چند تعقل به معنی استدلال رسمی تر بوده و دلالت بر قابلیت برداشت و نتیجه گیری ذهن دارد. تعقل یا استدلال زمانی اتفاق می افتد که ذهن بر اساس دلایل و شواهد نتیجه گیری می کند. ما معمولاً از دامنه وسیع استدلال هایی که در ذهن به شکل ضمنی صورت می پذیرد، آگاه نیستیم.

از صبح که از خواب برمی خیزیم، تفکر و تعقل ما شروع می شود. اینکه برای صبحانه چه بخوریم، چه لباسی بپوشیم، چه خریدهایی داشته باشیم، با کدام دوست ناهار بخوریم. وقتی در حال رانندگی هستیم، با فکر خود، جریان ترافیک و رفتار دیگر رانندگان را ارزیابی میکنیم، ضمن اینکه سرعت خود را کم و زیاد میکنیم. ما در باره هر مطلب و موضوعی در ذهن خود برداشت و نتیجه گیری می کنیم. ابرهای تیره را در آسمان می بینیم. در ذهن خود نتیجه می گیریم باران محتمل خواهد بود. از دوستی بی خبر هستیم، حدس میزنیم از ما دلخور است.

تفکر و تعقل در ما معمولاً به شکل ناخودآگاه انجام می‌شود تا اینکه کسی از ما دلیل بخواهد و احیاناً دلیل ما را به چالش بکشد و یا با آن مخالفت کند.

ما در زندگی برای خود اهدافی را ترسیم میکنیم و به دنبال تحقق آنها هستیم. تعقل کمک میکند برای خود برنامه و تصمیم‌هایی داشته باشیم. در ظاهر ممکن است تصور کنیم تفکر اجزا و ارکانی ندارد. ولی اینگونه نیست. همانطور که در بحث پیرامون مهارت‌های فکری در دو درس گذشته گفتیم، یکی از مهارت‌ها توانایی تجزیه و تحلیل است. حال می‌خواهیم تفکر را آنالیز کنیم و مولفه‌های تشکیل‌دهنده آن را ببینیم. ریچارد پال هشت عنصر را به عنوان ارکان تفکر در نظر می‌گیرد که عبارتند از: هدف، پرسش یا مسئله، اطلاعات و داده‌ها، برداشت و نتیجه‌گیری، مفاهیم و نظریات، پیش‌فرض‌ها، تبعات و پیامدها، چشم‌انداز یا دیدگاه. او این هشت مولفه را شماره‌گذاری نمی‌کند و در یک دایره قرار میدهد. به شکل زیر:



مدل ارکان تفکر ریچارد پال

اولین پرسشی که می‌توان مطرح کرد این است که هدف و منظور چیست. من چه هدفی را دنبال می‌کنم؟ می‌خواهم چه چیز اتفاق بیفتد؟  
دوم اینکه به چه پرسش‌های اساسی باید بیندیشم؟  
سومین مورد این است که چه اطلاعات و تجربیاتی برای فهم موضوع لازم است؟  
چهارمین نکته این است که چه موضوعاتی را بهم مرتبط می‌دانم و چگونه نتیجه‌گیری می‌کنم؟  
پنجمین رکن این است که کدام مفاهیم ذهنی، اصول و نظریات بر فکر من اثر می‌گذارند؟  
مولفه ششم در این مدل پیش‌فرض‌ها هستند. چه ایده‌هایی را مسلم در نظر گرفته‌ام.  
هفتمین نکته این است که استدلال من چه تبعات و پیامدهایی خواهد داشت؟  
هشتمین موردی که در نظر می‌گیریم این است که از کدام دیدگاه به موضوع نگاه می‌کنم؟  
دیدگاه‌های دیگر چه می‌گویند؟

هر گاه فکر میکنیم، هدف و منظوری را دنبال می‌کنیم، از چشم اندازی مشخص به موضوع نگاه میکنیم، پیش فرض‌هایی داریم که نشان میدهد اموری را بدیهی فرض می‌کنیم. از برخی مفاهیم و ایده‌های ذهنی که کلیدی هستند بهره می‌گیریم. از داده‌ها و اطلاعات و تجربیات بخصوصی استفاده میکنیم و به شکلی خاص آنها را تعبیر و تفسیر میکنیم. در صدد هستیم به پرسشی جواب دهیم یا مسئله‌ای را حل کنیم و می‌دانیم که تفکر و استدلال ما تبعات و پیامدهایی خواهد داشت.

در اینجا لازم است این هشت عنصر را بیشتر و دقیق‌تر مد نظر قرار دهیم. اولین رکن را هدف دانستیم. هدف اصلی من چیست؟ هدف خود را مشخص و واضح بیان کنید. هر چند وقت یکبار، اطمینان حاصل کنید که روی هدف خود متمرکز هستید و آنرا فراموش نکرده‌اید. مثلاً هدف از این سفر/ دوره آموزشی/ کتاب/ رابطه/ آموزش چیست؟

دومین رکن که باید مورد توجه قرار گیرد این است که می‌خواهیم به چه پرسشی جواب دهیم. در صدد هستیم چه مسئله‌ای را حل کنیم. انسان همواره در صدد بر می‌آید تا با فکر خود پرسشی را پاسخ دهد یا مشکلی را حل و فصل کند یا موضوعی را بفهمد. بوضوح پرسش یا مسئله را بیان کنید. دقت کنید پرسش شما از چه نوع است. دقت داشته باشیم که پرسش‌ها سه نوع هستند. گروه اول پرسش‌هایی هستند که جواب مشخص و معینی دارند. مثلاً مساحت این اتاق چقدر است یا حافظ در چه سنی از دنیا رفت. گروه دوم پرسش‌ها جواب معینی ندارند و بسته به سلیقه جواب آن فرق میکند. مثلاً رنگ آبی بهتر است یا قرمز. در اینجا پاسخ سلیقه‌ای است و نیازمند دلیل و برهان نیست. گروه سوم پرسش‌ها نیازمند استدلال و نتیجه‌گیری هستند. مثلاً کدام کاندیدا برای ریاست جمهوری مناسب‌تر است. باید مشخص کنیم که به کدام نوع پرسش می‌خواهیم پاسخ دهیم؟ یا اینکه چه مشکل و مسئله‌ای را می‌خواهیم برطرف کنیم؟

سومین بخش در مدل ارکان فکری ریچارد پال را میتوان اطلاعات، داده‌ها و تجربیات دانست. هر تفکر و استدلالی بر اساس داده‌ها و اطلاعات معینی انجام می‌شود. ادعاهای خود را محدود کنید به مواردی که برای آن شواهد لازم را دارید. هم اطلاعاتی که نظر شما را رد میکند جستجو کنید، هم اطلاعاتی که تایید می‌کند. اطمینان حاصل کنید اطلاعات کافی برای تصمیم‌گیری یا اظهار نظر را در اختیار دارید. از خود سوال کنید برای پاسخ دادن به این سوال چه اطلاعاتی لازم است؟ آیا من در این زمینه اطلاعات قابل قبولی دارم؟ آیا تجربیات من برای یافتن راه حل برای این مسئله کارساز است؟

چهارمین رکنی که باید در نظر بگیریم نحوه برداشت و نتیجه‌گیری است. انسان با فکر خود از وقایع برداشت و نتیجه‌گیری می‌کند. باید مراقب باشیم که برداشت‌های ما بر اساس داده‌ها و

اطلاعات متقن باشد. برداشت های خود را از نقطه نظر هماهنگی و انسجام مورد بررسی قرار دهیم. پیش فرض های نهفته در برداشت های خود را در نظر بگیریم. چگونه به این نتیجه/راه حل/برداشت رسیدیم؟ مسیر رسیدن به یک باور را بررسی کنیم. آنچه بیشتر از یک باور یا عقیده مهم است نحوه دستیابی ما به آن است. اینکه درباره موضوعی چه قضاوتی داریم زیاد مهم نیست. آنچه اهمیت بیشتری دارد نحوه رسیدن به آن حکم است.

پنجمین بخش از مدل ارکان تفکر پال اختصاص دارد به مفاهیم و نظریات. هر موضوعی دارای یک سری مفاهیم کلیدی است. مفاهیم کلیدی را با وضوح توضیح دهید. باید مشخص شود دقیقاً درباره چه چیز صحبت می کنیم و آن مفهوم بخصوص در ذهن ما چه معنایی دارد. اگر یک مفهوم ذهنی را به شکل دیگری می توان معنا کرد، آن را در نظر بگیرید. اطمینان حاصل کنید مفاهیم کلیدی با دقت و وضوح توضیح داده شوند. در تفکر و استدلال انسان معمولاً از یک سری اصول و نظریات بهره میبرد. این قوانین را به دقت توضیح دهید.

ششمین قسمت اختصاص دارد به پیش فرض ها. انسان در فکر و استدلال خود از پیش فرض ها بهره می گیرد. پیش فرض ها همان ایده هایی هستند که درستی آنها را بدیهی فرض می کنیم. دقت کنیم پیش فرض های ما موجه و قابل قبول باشند. دقت کنیم چگونه پیش فرض های ما، دیدگاه و چشم انداز ما را شکل می دهند. از خود سوال کنیم این دیدگاه چه پیش فرض هایی دارد؟ برای رسیدن به این نتیجه، چه ایده هایی را مسلم فرض کردم. پیش فرض ممکن است صریح یا ضمنی باشد. گاهی آنچه را مسلم فرض کرده ایم را بیان می کنیم و گاهی پیش فرض های ما ضمنی هستند و مستقیم و با صراحت از آنها سخن نمی گوئیم.

هفتمین بخش از ارکان فکری ریچارد پال اختصاص دارد به تبعات و پیامد ها. فکر و استدلال معمولاً خود را در رفتار و عمل انسان نشان می دهند. باورهای ما دارای اثرات اجتماعی هستند چون بر اساس باورهای خود تصمیم گرفته و اقدام می کنیم. بنابراین هر تفکر و استدلالی تبعات و پیامدهایی دارد. این تبعات و پیامد ها را در نظر بگیرید. هم اثرات مثبت و هم اثرات منفی را در نظر بگیرید. اگر این نظر را قبول کنیم، چه پیامدهایی خواهد داشت؟ اگر این نظر را قبول نکنیم، چه پیامدهایی خواهد داشت؟

هر تفکر و استدلالی بر اساس یک دیدگاه و چشم انداز انجام می شود. هشتمین رکن تفکر دیدگاه و چشم انداز است. لازم است همواره به محدودیت های اندیشه خود توجه کنیم. ما از یک دیدگاه بخصوص به موضوع نگاه می کنیم. باید آگاه باشیم دیگر دیدگاهها چه می گویند و استدلالشان چیست. دیدگاه خود را مشخص کنیم. دیگر دیدگاهها را با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف جستجو کنیم. در مقایسه دیدگاهها انصاف فکری را رعایت کنیم. از خود

سوال کنیم این نویسنده از کدام دیدگاه بحث می کند؟ این کتاب متناسب با کدام مکتب فکری نوشته شده است؟

مدل هشت بخشی ریچارد پال بسیار کاربردی است. می توان آن را برای هر کتاب، مقاله، رشته تحصیلی و هر چیز دیگری بکار برد.